پریاموس؛ خلق افسانه‌های نو با افسانه‌های کهن

رمان نوجوان و فانتزی «پریاموس» نوشته بهاره نوربخش سال گذشته توسط انتشارات بهنام منتشر و راهی بازار نشر شد. بهاره نوربخش به‌جز این‌کتاب، سه‌گانه فانتزی ایرانی «نبرد» را توسط انتشارات کتابسرای تندیس و رمان واقع‌گرای «من از یادت نمی‌کاهم» را توسط انتشارات شادان چاپ کرده است.

رمان «پریاموس» این‌نویسنده، یک‌داستان آخرالزمانی را در بر می‌گیرد؛ زمانی که جهان برای تغییراتی بزرگ آماده می‌شود و خطرات و حوادث بزرگی در انتظار دنیای پریان است. پریاموس یکی از پری‌های این‌جهان است که شخصیت اصلی رمان هم هست و باید با ماجراهای مختلفی روبرو شود. نوربخش کتاب فانتزی دیگری به‌نام «شیگانهوس» دارد که داستان «پریاموس» مربوط به مقطع زمانی ۵۳۲ سال پیش از آن است.

مینا وکیلی‌نژاد نویسنده و پژوهشگر در یادداشتی رمان «پریاموس» را نقد و بررسی کرده است.

در ادامه مشروح متن این‌یادداشت را می‌خوانیم؛

افسانه‌ها بخش مهمی از تاریخ شفاهی و عامیانه هر کشوری به شمار می‌آیند. افسانه‌ها و اسطوره‌ها پیوند نزدیکی با ادبیات دارند و تأثیر افسانه‌ها و اسطوره‌های تاریخی و مذهبی بر ادبیات غیرقابل انکار است. ادبیات فارسی پر است از موجودات افسانه‌ای مانند سیمرغ، ققنوس، اژدها، هما، پری، غول، دیو و موجودات دیگر. ایران و ادبیات فارسی همواره یکی از منابع غنی داستان‌های اسطوره‌ای و افسانه‌های عامیانه بوده است. همین افسانه‌ها منبع الهام بسیاری از نویسندگان معاصر برای خلق آثار داستانی هستند.

قصه‌های پریان و داستان‌های مربوط به جادو بخش مهمی از افسانه‌های کهن عامیانه را تشکیل می‌دهند. به اعتقاد بسیاری صاحب‌نظران، افسانه‌های موجود در زبان فارسی را با توجه به موضوع، سبک نگارش و قهرمان‌های آن‌ها می‌توان به انواع مختلف تقسیم کرد: افسانه-های پهلوانان که معمولاً موضوع آن‌ها نبرد میان قهرمانان و پهلوانان واقعی و تاریخی است که بیشتر اوقات کارهای عجیب و شگفت‌انگیز انجام می‌دهند. افسانه‌های پریان که درباره‌ی شخصیت‌های تخیلی مانند پری، دیو، شیاطین، اژدها و موجودات مافوق طبیعی و جادوگرانِ دارای قدرت‌های خارق‌العاده هستند. افسانه‌های تمثیلی که بیشتر قصه-های کوتاه و دارای آموزه‌های اخلاقی هستند. افسانه‌های تمثیلی در دو سطح روایت می‌شوند؛ سطح حقیقی که در آن شخصیت‌های داستان را حیوانات تشکیل می‌دهند و سطح مجازی که جنبه‌ای از رفتار و کردار انسان را نشان می‌دهند، مثلاً آدم‌های شرور و حیله‌گر به شکل لاشخور یا گرگ یا روباه ظاهر می‌شوند. خاستگاه افسانه‌های تمثیلی ایران، یونان، هند و مصر هستند. افسانه‌های عاشقانه نیز از مهم‌ترین دسته-بندی‌های قصه‌ها و داستان‌های عامیانه محسوب می‌شوند و بخش بزرگی از ادبیات شفاهی و مکتوب ما را تشکیل می‌دهند.

کتاب «پریاموس» نوشته بهاره نوربخش در دسته‌بندی افسانه‌های پریان قرار می‌گیرد. افسانه پریان هم در ادبیات کهن و هم در ادبیات معاصر ایران نقش پررنگی داشته است. افسانه‌های پریان نوعی از قصه‌های عامیانه محسوب می‌شوند که سرشار از رویدادهای غیرطبیعی، جادو و خرق عادت، قهرمان و ضدقهرمان هستند. پریان از دیرباز در قصه‌ها و داستان‌های ایرانی بوده‌اند و در گذر زمان نقش‌های متفاوتی در قصه-ها داشته‌اند. گاهی در نقشی منفی ظاهر می‌شدند و هدف آن‌ها فریب انسان‌ها و ترغیب آن‌ها به کارهای نادرست بوده است. اما در بیشتر داستان‌ها و افسانه‌های ایرانی نقش مثبتی داشته‌اند و در مقابل دیو و شیطان قرار گرفته‌اند.

داستان پریاموس حدود ۵۳۰ سال قبل از تولد شیگانهوس، نوه‌ی ابلیس، اتفاق می‌افتد. در کتاب شیگانهوس شاهد تلاش ابلیس، شیطان بزرگ، برای تولد نوه قدرتمند و خبیثش بودیم. ابلیس می‌خواست مخوف‌ترین و پلیدترین موجود در عالم را در اختیار داشته باشد تا بتواند به وسیله او انتقامش را از انسان‌ها بگیرد و زمین را برایشان جهنم کند، چون انسان را مسئول رانده شدن خود از درگاه الهی می‌دانست و برای رسیدن به این‌هدف، ازدواج دخترش با پلیدترین شیاطین عالم و به دنیا آوردن فرزندی توسط دخترش را بهترین راه می‌داند. داستان کتاب پریاموس در دو خط زمانی روایت می‌شود؛ یکی ۵۳۲ سال پیش از تولد شیگانهوس است و در دنیای پریان اتفاق می‌افتد؛ در این‌داستان با پریاموس آشنا می‌شویم که به‌عنوان پیشگوی اعظم دنیای پریان سعی می‌کند برای نجات پریزادها و انسان‌ها از شر شیطان کارهایی انجام دهد. و خط دوم داستان یک سال قبل از تولد شیگانهوس، نوه ابلیس، است و شخصیت‌های مختلفی دارد که به نوعی با پریاموس و تولد شیگانهوس ارتباط دارند.

در بیشتر افسانه‌های کهن شاهد مبارزه میان خیر و شر، نیکی و پلیدی هستیم. کتاب پریاموس هم به نوعی این‌مبارزه را نشان می‌دهد. شیگانهوس قرار است مظهر پلیدی و سیاهی باشد. پریان آسمان برای مبارزه با او به زمین فراخوانده می‌شوند. پریاموس هم سعی می‌کند با پیشگویی‌ها و اقداماتش جلوی تولد و قدرت گرفتن این موجود پلید را بگیرد.

چند مورد از افسانه‌های قدیمی در داستان این کتاب حضور پررنگ دارند. «آل» از معروف‌ترین افسانه‌های ملل جهان است و در هر ملتی به نوعی درباره آن داستان‌سرایی شده است. آل موجودی خیالی و افسانه‌ای است و در باور عامه اگر زن باردار یا تازه زایمان کرده را تنها بگذارند، آل به سراغش می‌آید و به او آسیب می‌رساند. این موجودات خیالی شرور معمولاً به شکل زنانی قوی و گاهی به شکل پیرزنانی با موهای ژولیده و دماغی از جنس خمیر یا گِل سرخ رنگ توصیف شده‌اند و علاقه زیادی به رنگ قرمز دارند و به‌سوی این رنگ جلب می‌شوند.

در داستان پریاموس حضور آل را کاملاً حس می‌کنیم. آرتاگ از ترس حمله آل به زن باردارش همراه همسرش از شهرشان کوچ می‌کنند تا به پایتخت سرزمین پالانه اوسا بروند. از سوی دیگر، در پایتخت هم ملکه گرفتار آل شده و حال و روز خوبی ندارد. پریاموس، شخصیت اصلی کتاب، سعی می‌کند این دو زن باردار را از آل نجات بدهد. پوته‌سا را می‌خواهد نجات دهد چون هم‌نام عشق اول و ناکام دوران جوانی‌اش است و ملکه را می‌خواهد نجات بدهد به امید اینکه بتواند در ازای نجات جان ملکه و شاهزاده از پادشاه انگشتری را بگیرد که یادگار دخترِ پریزاد فایولیتا، دختر شاهِ پریان آسمانی، است، پریزادی که برای نجات جانِ پریان آسمانی جان خود را فدا کرد و در سرزمین پریان جایگاه والایی دارد. برای نجات زنان باردار از شر آل باید مراسم زارگیری انجام شود. این مراسم در سواحل جنوبی ایران رایج است. در باور مردم بومی زار نوعی بیماری است که با درمان پزشکی برطرف نمی‌شود، زیرا معتقدند نوعی باد یا جن وارد بدن شخص می-شود و تنها با برگزاری مراسم خاص می‌توان آن باد را آرام کرد و بیمار را نجات داد. در کتاب پریاموس مراسم زارگیری به‌طور کامل برای ملکه برگزار می‌شود تا او را نجات دهند و باد را از بدنش خارج کنند. توصیف مراسم زارگیری بسیار دقیق و نوشته شده است. خانم نوربخش توانسته تصویر کاملی از مراسم زارگیری و جزییات آن در اختیار خواننده قرار دهد.

یکی دیگر از افسانه‌های ایرانی که در کتاب پریاموس درباره‌اش می-خوانیم دوال‌پا است. دوال‌پا موجودی افسانه‌ای است که در بسیاری از افسانه‌ها و داستان‌های ایرانی به آن اشاره شده است. در فرهنگ عامه، دوال‌پا موجودی است با پاهای دراز که معمولاً به شکل پیرمردی ناتوان کنارِ راه می‌نشیند و از رهگذران می‌خواهد به او کمک کنند و او را روی پشت خود سوار کنند. اما به محض سوار شدن روی پشت آن شخص، پاهایش را مثل تسمه‌ای دور کمر او می‌پیچد و دیگر پایین نمی‌آید و آن شخص عابر معمولاً تا آخر عمر نمی‌تواند از دست آن نجات پیدا کند. در کتاب پریاموس، آرتاگ در راه سفر از شهرشان تا پایتخت گرفتار دوال‌پا می‌شود، اما تا آخر عمر گرفتارش نمی‌ماند. زنش با استفاده از دعاها و وردهایی که برای محافظت از آل همراهش دارد موفق می‌شود آرتاگ را از شر دوال‌پا خلاص کند.

افسانه‌ها بخش بزرگی از ادبیات کشورهای مختلف را تشکیل می‌دهند. استفاده از افسانه‌های کهن در داستان‌های معاصر می‌تواند راهی باشد برای زنده نگه داشتن این افسانه‌ها و انتقال آن‌ها به نسل‌های بعد. بهاره نوربخش در کتاب پریاموس توانسته به خوبی از داستان‌های پریان و افسانه‌های ایرانی استفاده کند تا داستانی پرکشش را برای خواننده روایت کند؛ با استفاده از افسانه‌های کهن افسانه‌ای نو آفریده، داستانی که خواننده را غرق در دنیای موجودات خیالی و افسانه‌ای می‌کند.

دزدهای فرهنگی؟

به گزارش ایسنا، دزدی کردن همیشه بالا رفتن از دیوار خانه این و آن و برداشتن پول و طلا نیست، دزدی لزوما اسلحه به دست گرفتن و وارد شدن به طلافروشی و صرافی هم نیست، دزدی شکل‌های دیگری هم دارد؛ مثلا رفتن به کتاب‌فروشی و چشم‌گرداندن میان کتاب‌ها و برداشتن کتابی حجیم و نفیس با قیمت بالا.

ماجرا از آن‌جا شروع شد که به کتاب‌فروشی سر راهم که به نوعی پاتوغم است، سر زدم و خواستم بعد از مدت‌ها یکی از کتاب‌های ادبیات کلاسیک روسی را بخرم. بعد از گپ و گفت معمول از فروشنده کتاب دوجلدی «برادران کارامازوف» را خواستم، که گفت: جلد دوم را داریم اما جلد اول را نه! با خودم گفتم حتما مشتری جلد اول را خریده و خرید جلد دوم را به بعد موکول کرده است. گفتم: نسخه دیگری ندارید؟ گفت: نه.

کتاب‌فروش شروع به گفتن داستان کتاب‌هایی می‌کند که بدون فروخته شدن، از کتاب‌فروشی پرواز می‌کنند: «کتابی که شما خواستید در یک پک قرار دارد، مشتری‌ای آمده و زمانی که حواس‌مان نبوده، جلد اول را در کیف خود گذاشته و با خود برده است. این اتفاق بارها و بارها افتاده. گاهی بعد از گذشت مدتی متوجه می‌شویم و گاهی هم همان لحظه. اما کاری نمی‌شود کرد.»

او ادامه می‌دهد: «یک بار دیدم جوانی آمد، رفت پشت قفسه‌ها و شروع به جست‌وجو کرد. کمی برایم غیرعادی بود، به بهانه‌ای از پشت میز بیرون آمدم و به قسمتی که او رفته بود، رفتم. دیدم چند کتاب را برداشته و در کوله خود می‌گذارد. پشت میزم برگشتم و زمانی که می‌خواست برود به او گفتم پول کتاب‌ها را حساب کند اما او حاشا کرد و مجبور شدم به پلیس زنگ بزنم. اما از ما خواستند بگذریم و استدلال آوردند که می‌خواسته کار فرهنگی کند! اما دزدی دزدی است، فرهنگی و غیرفرهنگی ندارد. ما اگر متوجه این موضوع هم شویم، قانونی در حمایت از ما وجود ندارد و تنها می‌توانیم کتاب‌ها را پس بگیریم.»

این کتاب‌فروش درباره این‌که چرا گیت نمی‌گذارند تا جلو این اتفاق گرفته شود، می‌گوید: «آن‌هم دردسرهای خود را دارد، مگر درآمد ما از کتاب‌فروشی چقدر است که بخواهیم گیت هم بگذاریم؟! نمی‌صرفد.»

به سراغ کتاب‌فروشان دیگری هم می‌روم، آن‌ها هم از این ماجراها داشته‌اند؛ گاه با خنده می‌گویند چه سوال‌ها می‌پرسید، سال‌هاست این مشکل را داریم، و گاه با سوءظن و تردید پاسخ می‌دهند.

یکی از این کتاب‌فروشان می‌گوید: «خانم تا دل‌تان بخواهد این اتفاق می‌افتد، مخصوصا کتاب‌هایی که در قاب هستند! یک‌بار مشتری آمد و از من «حافظ» خواست، رفتم که کتاب را بیاورم، با قاب‌های خالی مواجه شدم.»

او برداشتن کتاب‌ها را از قفسه‌ها، مربوط به قشر خاص و زمان خاصی از سال نمی‌داند، اما می‌گوید بعضی‌ها شاید بیشتر این کار را انجام دهند و ادامه می‌دهد: «اما این را هم بگویم ما مشتریانی داشتیم که چند سال قبل کتابی را برداشته‌اند و بعد هم پولش را همراه کتاب برگردانده‌اند. یک بار صبح که آمدم با یک جعبه و نوشته‌ای بر رویش مواجه شدم؛ اگر اشتباه نکنم در دهه ۷۰ دانشجویی که رشته‌اش مرتبط با کتاب‌های ما بود، برای کارهای دانشگاهی و درسی‌اش می‌آمده و چون توان مالی نداشته، کتاب‌هایی را برمی‌داشته. بعد از سال‌ها کتاب‌ها را همراه با مبلغی برای‌مان پس فرستاده بود. یا چند وقت پیش فردی از ما کتاب خرید و به بهانه‌ای شماره حساب گرفت. چند روز بعد مبلغی برای ما واریز شد و یادداشتی داشتیم که ضمن معذرت‌خواهی از این‌که کتاب‌هایی را برداشته، پول کتاب‌ها را برگردانده بود.»

با نگاهش مراقب مشتری تازه واردشده به کتاب‌فروشی است و او را تعقیب می‌کند؛ می‌افزاید: «البته همیشه هم از این خبرها نیست. یک بار با چشم خودم دیدم یک نفر کتاب را برداشت و در کیفش گذاشت، به قیافه‌اش هم نمی‌آمد کتاب‌خوان باشد. مراقب بودم تا بدون حساب کردن از مغازه بیرون نرود، او هم برای خود در کتاب‌فروشی چرخ می‌زد. یک لحظه حواسم به حساب و کتاب مشتری‌ای گرم بود که دیدم از کتاب‌فروشی زد بیرون. من هم دنبال او دویدم اما نتوانستم به او برسم، به ایستگاه بی‌آرتی رفت و بین جمعیت گم شد. هرچند اگر به او می‌رسیدم هم فقط می‌توانستم کتاب را پس بگیرم؛ قانونی در این زمینه وجود ندارد و کتاب را کالای ارزشمند نمی‌دانند و از کنارش عبور می‌کنند.»

او البته اظهار می‌کند: «اگر کسی به من بگوید من پول خرید کتاب را ندارم ولی محتاج آن هستم، کتاب را به او می‌دهم یا با مدیر انتشارات صحبت می‌کنم تا فکری برای این موضوع بکنیم، اما ای کاش کتاب‌خوان‌ها این کار را نکنند.» او در میان صحبت‌ها و گله‌هایش، به دزدان فرهنگی اشاره می‌کند که دیگر آن‌ها را می‌شناسند و به قول خودش چهارچشمی مراقب‌شان هستند.

از کتاب‌فروشی دیگری که تقریبا مدرن است و گیت ورودی دارد و اگر کسی بخواهد کتابی را بدون پرداخت پول بردارد، قطعا لو می‌رود هم این سوال را می‌پرسم، با خنده‌ای بلند مواجه می‌شوم و به صورت تلویحی پاسخم را می‌گیرم. به گیت اشاره می‌کنم و باز همان خنده و ادامه می‌دهد: «کسی که دزدی می‌کند، راه‌حلش را هم بلد است خانم! می‌روند و در قفسه‌ها می‌گردند، به ویژه قفسه‌های پایین بعد برچسب را می‌کَنند و به کتاب دیگری می‌زنند و از گیت رد می‌شوند، به همین راحتی! ما هم نمی‌توانیم که فقط دوربین چک کنیم که چه کسی چه کاری انجام می‌دهد!» باز می‌خندد، انگار در دل خود می‌گوید «چه سوالی از من می‌پرسد!»

به کتاب‌فروشی کناری‌اش می‌روم، این کتاب‌فروشی هم مجهز به دوربین و گیت است، او هم سخنان همکارش را تکرار می‌کند و همان شیوه را بازگو می‌کند. البته نکته دیگری به ذهنش می‌رسد و با خنده تعریف می‌کند: «قبلاً کتاب‌های گران را برمی‌داشتند اما جدیدا کتاب‌های ارزان را هم برمی‌دارند، بدون کندن لیبل‌شان! بعد متوجه شدم که گیت ما بالاتر از قیمت مشخصی را هشدار می‌زند و کسانی که کتاب را برمی‌دارند، زودتر از من متوجه این موضوع شده‌اند!» بعد با خنده و شوخی می‌گوید، نام کتاب‌فروشی ما را نبرید بدبخت شویم!

به کتاب‌فروشی قدیمی دیگری می‌روم، همین سوال را می‌پرسم. به تعداد کارکنان زیاد خود اشاره می‌کند و می‌گوید با این همه آدم و مراقبت، باز سالانه به‌طور متوسط ۱۵ میلیون تومان و شاید بیشتر از آن‌جا کتاب برمی‌دارند و سر درددلش باز می‌شود. همان حرف‌های همکارانش را تکرار می‌کند و سر هر جمله می‌گوید «مگر کتاب‌خوان دزد می‌شود؟» به قیمت کتاب اشاره می‌کنم و می‌گویم، شاید برای قیمت کتاب این کار را می‌کنند و خیلی محکم پاسخ می‌دهد، «نه خانم! کتاب ۱۵ هزاری و ۱۶ هزاری برمی‌دارند، این نشان می‌دهد فقط قیمت کتاب دخیل نیست، مشکل از جای دیگری است.» به خاطره همکارانش درباره بازگردانده شدن کتاب‌ها و پول کتاب‌ها اشاره می‌کنم و از او می‌پرسم شما هم موارد مشابهی داشته‌اید؟ با خنده این موضوع را تایید می‌کند و با تعریف روایت‌های مشابه از پاکت‌های نامه و پول‌هایی که بعد از سالیان سال به دست‌شان می‌رسد، در نهایت می‌گوید «چه فایده‌ای دارد؟!»

دزدی کتاب از قفسه کتاب‌فروشی‌ها حرف امروز و دیروز نیست؛ سال‌هاست ادامه دارد و چه بسا در آینده هم این اتفاق بیفتد، کسی با خود دودوتا چهارتا کند، کتاب را بردارد و دور از چشم دیگران آن را با خود به خانه ببرد، چه بسا بعدا پشیمان هم شود و با شرمندگی نامه‌ای بنویسید و پول کتاب را برگرداند؛ اما به هر حال دزدی دزدی است و فرهنگی و غیرفرهنگی هم ندارد؛ چه بهتر که افراد از ابتدا متوجه زشتی کار خود باشند و بدانند دزد، دزد است.

گردشگری حبابی شاه‌کلید برون‌رفت از شرایط کنونی این صنعت است

همه گیری کرونا به بسیاری از صنایع و مشاغل آسیب جدی زده است ولی به اعتقاد کارشناسان و مسئولان دولتی صنعت گردشگری بیشترین آسیب را از این بیماری همه گیر دیده است.

بر اساس پیش بینی ها قرار بود بیش از ۱۰ میلیون گردشگر خارجی در سال جاری به ایران بیایند که این امر اتفاق نیفتاده است. وزارت میراث فرهنگی و گردشگری تلاش های زیادی کرد که به جز حمایت از گردشگری داخلی در قالب گردشگری هوشمند، فرایندهای لازم برای امکان ورود گردشگر خارجی به کشور را مهیا کند که این مورد نیز ممکن نشد.

علی رضا رئیسی معاون وزیر بهداشت دهم بهمن ماه اعلام کرد: پروتکل های سختگیرانه ای برای مراقبت از مرزها ابلاغ شده است. همه افرادی که وارد کشور می شوند تست می شوند. این مطلب قبلا فقط برای کشورهای اروپایی بود که باید با تست منفی وارد کشور می شدند اکنون همه مسافران خارجی حتی کشورهای همسایه باید تست پی سی آر منفی داشته باشند و دوباره در داخل از آنها تست گرفته می شود.

رئیسی ادامه داد: اگر مسافری از اروپا وارد می شود علاوه بر در دست داشتن جواب تست منفی و تستی که از او در داخل گرفته می شود باید ۱۴ روز در منزل قرنطینه باشد.

وی گفت: در مورد وضعیت ورود افرادی که در انگلیس مانده اند و منتظر ورود به کشور هستند نیز در روزهای آینده پروتکل های سختگیرانه ابلاغ می شود.

وی گفت: اگر مردم در ۶ هفته باقیمانده پایان سال پروتکل های بهداشتی را رعایت کنند امیدواریم بتوانیم نوروز آرامی داشته باشیم. در حوزه گردشگری نیز برای رونق سفرها برنامه هایی داریم تا با رعایت پروتکل های بهداشتی، تسهیلاتی برای فعالیت برخی هتل ها و تورهای مسافرتی داشته باشیم.

رئیسی ادامه داد: اگر اوضاع تحت کنترل و نظارت باشد و هیچ فرد کرونای مثبتی در بین مسافران نباشد و در ورودی هتل ها مسافران کنترل شوند، هموطنان می توانند در تعطیلات نوروز به مسافرت بروند البته به شرطی که در یکی دو ماه مانده به پایان سال وضعیت را ثابت نگه داریم.

ناصر رضایی رئیس پژوهشکده گردشگری وزارت میراث فرهنگی و گردشگری با بیان این که بیمار واقعی کرونا صنعت گردشگری است، گفت: گردشگری بیش از هر صنعتی در این دوره از کرونا آسیب دیده است و هیچ صنعتی بیش از گردشگری در این مدت خسارت ندیده است.

وی با اشاره به این که نمی توان گردشگری را به دلیل شیوع کرونا تعطیل کرد افزود: سرمایه گذاری های زیادی از سوی مردم در این حوزه شده است و نمی توان گردشگری را تعطیل و ممنوع اعلام کرد.

گردشگری با رعایت شیوه نامه های بهداشتی منجر به گسترش کرونا نمی شود و باید در همین قالب سفر هوشمند از گردشگری داخلی حمایت کرد. بسیاری از کشورها نیز با این شیوه گردشگری را زنده نگاه داشتند. مهمترین عامل گسترش ویروس کرونا، رعایت نکردن شیوه نامه های بهداشتی است.

رضایی با اشاره به این که هنوز تا از بین رفتن کرونا در ایران و سراسر جهان فاصله زیادی داریم، گفت: گردشگری خارجی نیز در این دوران باید حمایت شود. بسیاری از کشورهای اروپایی و آمریکایی در این مدت با انجام ضوابطی گردشگری خارجی شان را زنده نگاه داشتند.

وی حباب گردشگری را یکی از ایده های این روزهای کشورها برای بقاء گردشگری خارجی بیان کرد و افزود: رفت و آمد ساکنان استان های مرزی به کشورهای همسایه یکی از این راهکارها است.

اخبار

بازخوانی آرای اندیشمندان خارجی درباره انقلاب اسلامی

فوکو تا آخر عمرس مدافع انقلاب اسلامی ماند

انقلاب اسلامی ایران همواره مورد توجه اندیشمندان ومتفکران خارجی بوده است و بسیاری از اندیشمندان غیر ایرانی تحلیل‌ها و نظرات بحث برانگیزی در خصوص انقلاب اسلامی ایران داشته‌اند و تعدادی از این افراد هم نظرات خود را در قالب کتاب منتشر کرده‌اند. میشل فوکو، فیلسوف و متفکر فرانسوی یکی از افرادی است که در خصوص انقلاب اسلامی ایران نظرات جالبی دارد و انقلاب اسلامی ایران را ستوده است. فوکو، در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی ایران، دوبار (از ۲۵ شهریور تا ۲ مهر ۱۳۵۷ و از ۱۸ تا ۲۴ آبان ۱۳۵۷) به ایران سفر کرد و در هشت گزارشی که برای روزنامه کوریره دلاسرا نوشت با مردم انقلابی ایران همدلی عمیقی نشان داد. وی در این دو سفر خود با شخصیت‌های مختلف مذهبی، سیاسی ملاقات و با اقشار مختلف مردم مصاحبه کرد.

بعدها بسیاری از روشنفکران فرانسوی او را توبیخ کردند که چرا فریب انقلاب ایران را خورده است. فوکو به این نقدها پاسخ صریحی نداد و حتی گمان می‌شد او در یادداشت‌های ایرانی تلویحاً از موضع خود برگشته است اما رفته رفته این مشاجرات فراموش شد تا آنکه پس از یازده سپتامبر بار دیگر مناقشات پیشین سر برآورد و حملات جدیدی علیه فوکو و همراهی‌اش با انقلاب ایران آغاز شد.

انتشارات ترجمان سال ۱۳۹۷ کتابی با نام «فوکو در ایران» منتشر کرد که به تازگی به چاپ دوم رسیده است.نویسنده این اثر بهروز قمری تبریزی رئیس بخش مطالعات ایران و خلیج فارس دانشگاه پرینستون ایالت نیوجرسی آمریکا و مترجم آن سارا زمانی است. قمری تبریزی در این کتاب، نشان داده که فوکو نه تنها از موضع خودش دست نکشید، بلکه تجربه انقلاب ایران نقشی مهم در تحول فکری او ایفا کرد. کتاب نامبرده شامل پنج فصل با عناوین زیر است: شکستن دو مطلق، فوکو چگونه انقلاب ایران را معنا کرد؟، کژ نمایی انقلاب، کژخوانی فوکو، عصر وحشت، مسائل زنان و سیاست‌های فمنیستی، روشنگری چیست؟

به مناسبت چهل و دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مروری بر کتاب «فوکو در ایران» نوشته بهروز قمری تبریزی با ترجمه سارا زمانی خواهیم داشت؛

نویسنده در بخش پیشگفتار اثر می‌نویسد: در حین نوشتن کتاب بسیاری از همکاران و منتقدانم می‌پرسیدند: چرا باید آنچه فوکو درباره انقلاب ایران گفته است برای ما اهمیت داشته باشد؟ مگر او هم یکی دیگر از آن روشنفکران فرانسوی مغلق‌گو نیست که این عادت استعماری را دارند که درباره مسائل مردمان دیگر فضولی کنند؟ گمان می‌کنم اینها سوالات موجهی هستند. من این کتاب را به مثابه شرحی بر آثار فوکو در نظر نگرفته ام، بلکه مقالات او درباره انقلاب اسلامی را پنجره‌ای فوق العاده یافتم که از آن می‌توان به وقایع انقلابی ایران، بیرون از چارچوب‌های گفتمانی ای که انقلاب‌ها شرح می‌دهند، نگاه کرد. این واقعیت که انقلاب ایران نظریه فوکو درباره قدرت و سوبژکتیویته را تغییر داده است نیز از نظر من، بیش از آنکه به خود فوکو مربوط باشد، ناشی از اهمیت مفهومی و خلاقانه انقلاب ایران است.

وی در مقدمه اثر هم می‌نویسد: در ایران فوکو کوشید انقلاب را پدیده‌ای متعلق به تاریخ ببیند که در عین حال تاریخ را به چالش می‌کشید. در نظر فوکو کسانی که در خیابان‌های تهران راهپیمایی کردند سوژه‌هایی از تاریخ بودند که به پا خواستند تا تاریخ را سوژه کنش‌های انقلابی خود نمایند. او از خوانندگان مقالات خود می‌خواست، ایرانیان را در آستانه امری بدیع ببینند، به جای دیدن آنها به مثابه سوژه‌هایی متعلق به اقتدار گفتمانی جهانی ساکن برساخته از مفاهیم کهنه و فرسوده تاریخ. در ایران فوکو کوشید انقلا را بدون بستن روزنه امکانات، بازشناساند، بدون آنکه حرکت انقلابی را تحت انقیاد منطق گریز ناپذیری تاریخی در آورد. در ایران، فوکو معطوف به مبارزه‌ای بود که یک ملت برای رسیدن دو هدف انجام می‌داد: یکی اطمینان از سهیم بودن (در ساختن تاریخ) و دیگری خلق امکان نوعی خروج (از تاریخ محتوم). او عدم قطعیت موجود در جنبش انقلابی ایران را به چشم منبعی از خلاقیت و الهام می‌دید و نه نشانه بروز نیروی واپس گرایی که سرانجام داشت به جانب ترقی و پیشرفت گسیل می‌شد و قیام‌های ۲۰۱۰- ۲۰۱۱ را می‌شد در قالب خصلتی منحصر به فرد فهمید و خارج از الگوهای آشنای تحول انقلابی توسعه داد ولی اطلاق صفت «بهار عربی» خصلت منحصر به فرد این خیزش‌ها را از میان برد.فوکو چه در مقاله‌هایش و چه در چرخش‌های آینده ش، سرنخ‌های مفیدی به دست ما می‌دهد که چطور می‌توان انقلاب ایران را فهم کرد، بدون آنکه آن را در محک نظریه‌های اروپا محور قدرت، سیاست و تاریخ جا دهیم. قمری تبریزی در بخشی از کتاب اشاره کرده است: فوکو نتوانسته اهمیت نظری تجربه ایرانیان را به درستی بیان کند. او اگرچه در نوشته‌های متاخرش نظریه‌ای درباره سوبژکتیویته را گسترش می‌دهد، اما هیچگاه نظریه را به سرچشمه‌هایش وصل نمی‌کند: معنویت سیاسی سوژه‌های انقلابی در خیابان‌های تهران. فوکو انقلاب ایران را لحظه‌ای می‌داند که در آن سوژه‌های تاریخی از تبعیت از تاریخ سر باز می‌زنند؛ لحظه‌ای که ایران «امکانی جهان تاریخی بود برای عبور کردن از سیاستِ دوگانهٔ اسلامگرا / سکولار، فرصتی بود برای تصور شکلی نانوشته از سیاست ورزی در آستانهٔ امر نو». در فصل «فوکو چگونه انقلاب ایران را معنا کرد؟» اشاره می‌شود که فوکو، ملی گرایان انقلابی را که می‌گفتند «شاه باید سلطنت کند، نه حکومت» فاقد اعتبار و نظراتی این چنینی را حاصل «غرب گرایی مفرط» صاحب نظران ایرانی می‌دانست. او معتقد بود که شاه با ناامیدی تمام می‌خواست پروژه مدرن سازی آتاتورکی پدرش را که از سال ۱۹۲۰ شروع شده بود به سبکی اروپایی ادامه دهد....در نزد او، این نفس مدرن سازی بود که به دوران کهن تعلق داشت، نه هوای دینی انقلاب.

اخبار

آی‌فیلمی‌ها با «خبرنامه» خاطرات انقلاب را مرور میکنند

ماجراهای قهوه خانه بین راهی

آی فیلم در چهل و دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، سریال دهه‌شصتی «خبرنامه» را روی آنتن می برد. این سریال به‌کارگردانی منصور تهرانی و نویسندگی و تهیه کنندگی محمد کیانی، یادآور روزهای انقلاب است.

به‌گزارش امتیاز، سریال خبرنامه که در سال ۱۳۶۶ و به سفارش شبکه یک سیما ساخته و پخش شد، به‌زودی مهمان خانه‌های آی‌فیلمی‌ها می‌شود.

این سریال با مضمون تاریخی و درام، درباره دو برادر به نام‌های یدالله و عبدالله است که در قهوه‌خانه بین‌راهی پدرشان در حاشیه جاده قم-اراک در روستای راهجرد کار می‌کنند و در جریان پیروزی انقلاب اسلامی تصمیم می‌گیرند با فعالیت سیاسی، راننده ها و مسافرانی را که به این قهوه خانه بین راهی می آیند، همچنین مردم روستای خود را با پخش اعلامیه از اخبار روز انقلاب و تظاهرات و درگیری ها، پیام های امام خمینی و تحولات گوناگون روز مطلع کنند. اعلامیه‌ای که آنها بین مردم پخش می‌کنند «خبرنامه» نام دارد.

اکبر دودکار، عنایت بخشی، روح انگیز مهتدی، علی پویان، هدایت الله نوید، فرشید سلیمی، مجید نوروزی و رحمان مقدم ازجمله بازیگران این سریال هستند و موسیقی آن که توسط منصور تهرانی ، کارگردان اثر ساخته شده، از جمله نقاط قوت آن عنوان می شد. «خبرنامه» صدابرداری سرصحنه نداشت و به صورت دوبله شده روی آنتن رفت.

این سریال قرار است از جمعه ۱۷ بهمن، هر روز ساعت ۱۷ روی آنتن برود. بازپخش این سریال را می‌توانید در ساعت ۱ بامداد یا ۹ صبح تماشا کنید.

پرس تی وی جرایم دارویی غرب در آفریقا را بررسی می کند

جرایم دارویی کشورهای غربی و آزمایش های غیراخلاقی این کشورها بر روی ساکنان قاره آفریقا در برنامه این هفته «آفریقا امروز» شبکه پرس تی وی مورد بررسی قرار می گیرد.

به گزارش امتیاز، برنامه «آفریقا امروز» به تهیه‌کنندگی عاطفه سادات دربندی نگاهی ویژه دارد به جرایم دارویی کشورهای غربی در قاره آفریقا از جمله آزمایش های غیراخلاقی، آزمایش های بالینی فاقد رضایت آگاهانه و اقدامات پزشکی اجباری. بهانه پرداخت شبکه پرس تی وی به این موضوع، عجله دانشمندان و محققان برای آزمایش درمان بالقوه ویروس کووید ۱۹ است که باعث احیای بحث داغ استفاده از ساکنان آفریقا در آزمایش های مهم دارویی کشورهای غربی شده.

برنامه «آفریقا امروز» به بررسی چند نمونه از این اقدامات غیراخلاقی از جمله آزمایش مننژیت در نیجریه توسط شرکت فایزر در سال ۱۹۹۰، آزمایش های عقیم سازی در آفریقای جنوب غربی در اواخر قرن نوزدهم و آزمایش های پیشگیری از بارداری اجباری و درمان اچ آی وی در زیمبابوه می پردازد و بر این مهم متمرکز می شود که این آزمایش ها، بخشی از روندی است که نسل های متمادی مردم آفریقا به دلیل برتری جویی غربی و نادیده انگاشتن حقوق بشر با آن مواجه بوده و هستند.

این برنامه همچنین به چند نمونه جدیدتر از این جرائم غیراخلاقی پزشکی_ دارویی کشورهای غربی در قاره آفریقا از جمله آزمایش های غیرقانونی شرکت فایزر آمریکا بر روی کودکان نیجریه ای اشاره دارد که باعث شکایت البته نافرجام این کشور به مجامع بین المللی شده است. «آفریقا امروز» با طرح این موضوع که قاره آفریقا برای بیش از یکصد سال محل آزمایش شرکت های دارویی غربی بوده و این روند حتی پس از پایان عصر استعمار نیز ادامه دارد، نظر بینندگان خود را در این خصوص جویا شده است. پیرگا گلاو ولدییز، استاد دانشگاه و محقق، مهمان و کارشناس برنامه این هفته است.

برنامه «آفریقا امروز» با اجرای ویلفرد مبارک هنیا سه شنبه ساعت ۰۸:۰۰ و ۱۷:۰۰، چهارشنبه ساعت ۱۵:۰۰، پنجشنبه ساعت ۰۱:۰۰ بامداد و ۱۳:۰۰ و جمعه ساعت ۰۹:۰۰ روی آنتن خواهد رفت.

در «بلانکو»ی هیسپان تی وی ؛

اسوالدو کانالز از «حتی یک خط» و «دلقک ها» می گوید

برنامه «بلانکو» شبکه هیسپان تی وی در این قسمت به معرفی و بررسی دو فی